چگونه یک محوطه باستانی، میزبان چیدمانی هنری شد؟

«سنگ-آینه»ها در آشفتگی باد

مریم امیرفرشی

هنرزمینی یا محیطی (Land Art) به حوزه وسیعی از کارهای هنری گفته می‌شود که در پرتو اندیشه‌های مینی‌مالیستی، پس از سال‌های ۱۹۷۰ میلادی شکل گرفت و «پست مینی‌مالیسم» هم به آن اطلاق می‌شود. رویکرد اصلی مینی‌مالیسم، ماده و خصلت‌های آن است. بر اساس همین رویکرد و تحت‌تاثیر اندیشه‌های فلسفی و پدیدارشناسانه، زمین به‌عنوان منشأ، ماده مورد توجه هنرمندان قرار گرفته و هنر محیطی را به وجود آورده است. از پیشگامان این هنر می‌توان به رابرت اسمیتسون یا جیمز تورل اشاره کرد. علیرضا امیرحاجبی، پژوهشگر و هنرمندی که در حوزه‌های مختلف هنری فعال است، پروژه‌ای با عنوان «سنگ - آینه» در منطقه باستانی شهر «یئری» اجرا کرده که بازتاب‌های مختلفی نزد اهالی هنر و رسانه به همراه داشته است. شهر باستانی «یئری» در استان اردبیل واقع شده است. در این محوطه تعداد زیادی سنگ‌افراشته موجود است که با اشکالی مشابه کنار هم چیده شده‌اند. (نیایشگاه اصلی منطقه شهر یئری شامل بیش از ۳۰۰ سنگ‌افراشته با ارتفاع‌های مختلف از ۳۵ تا ۲۵۰ سانتیمتر و به شکل‌های انسانی است که حاوی صورت آدمی (بدون دهان)، دست و شمشیر هستند. چارلز برنی قدمت آن را همزمان با هخامنشیان ولی خارج از محدوده دولت آنها محاسبه کرده است. اینگراهام و سامرز نیز زمان ساخت آن را به پیش از هزاره اول نسبت داده است. با توجه به نبود سفال در کنار سنگ‌افراشته نمی‌توان نظر دقیقی در مورد زمان سنگ‌افراشته ارایه کرد ولی میانه هزاره دوم تا میانه هزاره اول را بهترین دوره برای سنگ‌افراشته دانسته‌اند). پروژه امیرحاجبی، نصب آینه کنار سنگ‌افراشته‌هاست. با توجه به رویکرد متفاوت وی نسبت به این پروژه و دغدغه‌های او بیش از خلق یک اثر هنری با او به گفت‌وگو نشستیم.

با کمی توضیح درباره پروژه شروع کنیم...

محوطه باستانی شهر «یئری» در نزدیکی مشکین‌شهر واقع شده و قدمت تقریبی آن به عصر آهن بازمی‌گردد یعنی مربوط به هفت‌هزار و ۵۰۰ سال پیش. اسم و رسم مردمانش معلوم نیست. قبل از انقلاب گمانه‌زنی‌هایی توسط یک باستان‌شناس آلمانی به‌نام برنی صورت گرفت اما کاوش اصلی در اوایل دهه ۸۰ شمسی و در سه فصل تحت سرپرستی جناب دکتر نوبری انجام شد. از جمله نتایج مهمی که در این کاوش‌ها به دست آمد، کشف یک معبد و بخش‌های دیگری مثل بخش مسکونی و صنعتی بود که شامل کوره‌های ذوب‌آهن، مفرغ و سفالگری است اما اجرا در محوطه معبد بود. آینه‌هایی به ارتفاع یک متر و ۵۰ تا یک متر و ۸۰ سانتیمتر را در کنار سنگ‌افراشته‌های این معبد قرار دادم.

هدف اصلی شما از اجرای این اثر چه بود؟

هدف اصلی من از قراردادن آینه‌ها کنار سنگ‌افراشته‌ها، این بود که بازدیدکننده برای لحظه‌ای خودش را در آینه ببیند. آینه به نوعی ابزاری برای بازیابی مجدد هویت است. این چیدمان به نظرم موفق هم عمل کرده است چون بازدیدکنندگانی که به شهر «یئری» می‌آیند، واکنش‌های جالبی دارند. به‌طور معمول مخاطب در مقابل هر اثر هنری چه در یک گالری و چه خارج از آن برای چند لحظه خود را فراموش می‌کند چون در حال نظاره‌کردن است. در این نظاره، یک رهاشدگی و فراموشی وجود دارد. تماشاگر خود، دغدغه‌ها، اینکه در کجاست و در حال انجام چه کاری است، برای لحظاتی فراموش می‌کند چون در حال نظاره امری غیرواقع است. آینه‌ها در ابتدا همین نقش را برای من ایفا می‌کردند. مخاطب در حال نظاره این سنگ‌افراشته‌های زیبا، یک لحظه خود را در آینه می‌بیند و یک حس انطباق به وجود می‌آید حتی اگر نتیجه‌ای هم نداشته باشد، عمل نگاه‌کردن به خود و در همان حال دیدن سنگ‌افراشته‌ها همان مفهومی است که به دنبال آن بودم و خوشبختانه محقق شد اما بعد از این اجرا که سخت هم بود و با توجه به حساسیت‌های موجود در یک سایت باستانی از سوی میراث فرهنگی و موارد دیگر، لایه‌های دیگری از این مفهوم برایم عیان شد. آینه‌ها خود نوعی کولاژ بودند که تصویر یک بخش را در بخش دیگر نمایش می‌دادند یعنی مخاطب می‌تواند مقابل و پشت سر خودش را ببیند.

فکر می‌کنم هر چه ساده‌تر با هنر مفهومی به‌صورت عام و به‌صورت خاص با هنر زمینی (Land Art) برخورد کنیم و از تعاریف خیلی فلسفی، پیچیده و غامض درباره یک اثر، اجتناب کنیم، به‌نفع همه یعنی مخاطب، هنرمند و خود اثر است. اثر من اثری ساده است

به عبارتی خلق تصویر در تصویر که نتیجه جالبی برایم بود اما این، چیزی نبود که من از ابتدا به آن فکر کرده باشم و این روند در زمان اجرا، اتفاق افتاد. چند مفهوم دیگر هم از سوی دوستان و صاحبان نظر مطرح شد مثل وضعیت آینه‌ای لکان و موارد روانکاوانه که درباره این موارد هم فکر خاصی در ابتدا نداشتم.

دیدن مخاطب در آینه، چه هدفی را دنبال می‌کرد؟ قرار بود تحولی درون او رخ بدهد، خودش را در مواجهه با تاریخ ببیند یا می‌خواستید تضادی برای او ایجاد کنید؟

در مواجهه با تاریخ... شاید به یک شکلی. وقتی شما در یک محوطه باستانی با قدمت هفت‌هزارسال می‌ایستید، خود به خود تحت‌تاثیر کاریزما و جاذبه آن محیط قرار می‌گیرید. کانسپت من خیلی ساده‌تر بود و اتفاقا آدم‌هایی که با موضوع خیلی ساده برخورد می‌کردند مثل مردم محلی منطقه، زودتر کانسپت من را درک کردند مثلا افرادی از اهالی روستای پیرازمیان که روستایی در بخش پایینی آن منطقه است، به هنگام بازدید، هیچ سوالی از من نکردند. دایما خودشان را در آینه‌ها نگاه می‌کردند. اتفاقا یکی از آنها به زبان ترکی به همراهش گفت: «وقتی خودم را در آینه می‌بینم، انگار شباهت‌هایی به جدم دارم» که منظور از جد، همان سنگ‌افراشته‌ای بود که کنارش ایستاده بود. فکر می‌کنم هر چه ساده‌تر با هنر مفهومی به‌صورت عام و به‌صورت خاص با هنر زمینی (Land Art) برخورد کنیم و از تعاریف خیلی فلسفی، پیچیده و غامض درباره یک اثر، اجتناب کنیم، به‌نفع همه یعنی مخاطب، هنرمند و خود اثر است. اثر من اثری ساده است.

چرا سراغ Land Art یا همان هنر زمینی رفتید؟

به‌دلیل آزادی در آن. اما مشکلاتی هم در لند آرت و چیدمان‌های محیطی وجود دارد، به خصوص به لحاظ اقتصادی. اگر شما پول کافی برای اجرا داشته باشی که خودتان آن را انجام می‌دهید. در غیراین‌صورت برای اجرا حتما نیازمند حامی مالی خواهید بود. با توجه به اینکه در ایران اصلا این هنر شناخته‌شده نیست، پیداکردن حامی مالی مشکل است. شاید به همین دلیل است که ما تعداد کمی هنرمند در این حوزه داریم اما با توجه به مشکلات زیادی که اجرای این کار داشت مثل موارد اداری، گرفتن مجوز از سازمان‌هایی مثل محیط زیست، میراث فرهنگی، گردشگری، طبیعت‌گردی و... عاملی که باعث می‌شود، پیه همه مشکلات را به تن بمالیم، برخورد با طبیعت و داشتن آزادی است که با توجه به انتخاب فضا، می‌تواند پروژه‌های بسیار بزرگ یا کوچک را شامل شود اما متن کار، گسترده و وسیع است و این آزادی و تنهایی بر همه سختی‌ها برتری دارد.

پروژه‌های لندآرت که توسط هنرمندان دیگر در جاهای دیگر دنیا اجرا شدند، عموما به همان شکل در طبیعت باقی می‌مانند. چیدمان آینه‌ها موقتی هستند یا دایمی؟

هم موقتی و هم دایمی. آینه‌ها تا فصل بارش برقرار هستند و در فصل سرما و بارش جمع شده، به انبار منتقل می‌شوند و اگر نیاز به تعمیر داشته باشند، تعمیرات روی آنها صورت می‌گیرد تا دوباره بعد از اتمام فصل بارش، چیده شوند.

همکاری بخش دولتی چطور بود؟

کارشناسان و مدیران اداره میراث فرهنگی اردبیل و مشکین‌شهر همکاری بسیار صمیمانه‌ای داشتند. این پروژه در ابتدا برایشان ناآشنا بود. یک نفر به‌یکباره به میراث فرهنگی اردبیل مراجعه کرده و گفته است که من می‌خواهم تعدادی آینه را در محوطه شهر یئری بچینم. این برای آنها عجیب بود و با وجود اینکه مثل خیلی‌ها درباره لند آرت و چیدمان، اطلاعی نداشتند اما به این نکته واقف بودند که قرار است در آن منطقه اتفاق خوبی رخ بدهد چون واقعا این محوطه باستانی فراموش شده است. درباره آن اطلاع‌رسانی دقیقی صورت نگرفته و کسی این مکان را نمی‌شناسد.

چرا مکان‌های شناخته‌شده‌تری را انتخاب نکردید؟

علت انتخاب من، ویژگی منحصربه‌فرد این سنگ‌افراشته‌هاست. من نمونه این سنگ‌افراشته‌ها را در جای دیگری از ایران ندیدم. نه‌تنها در ایران بلکه در جای دیگری هم نمونه‌شان را ندیده‌ام فقط گویا نمونه‌هایی با شباهت‌هایی در ترکیه وجود دارد.

پروژه سنگ- آینه در منطقه باستانی شهر یئری نزدیک مشکین‌شهر

ابعاد این سنگ‌افراشته‌ها چقدر است؟

از حدود ۳۰سانتیمتر شروع می‌شود تا حدود دومتر و ۱۰ که همگی به‌طور منظم کنار هم چیده شدند و این نظم از بالا و توسط تصاویر هوایی بهتر دیده می‌شود.

اینجا در اصل یک معبد است؟

بله و دارای چند بخش است: بخش ورودی که یک غار بسیار زیبا در آن هست که گویا قبل از ورود، افراد در این غار چندروزی می‌ماندند تا به پاک‌سازی مشغول شوند و منطقه بالادست معبد در قوشاتپه که بخش مسکونی و بخش صنعتی در آن قرار دارد.

قصد شما بعد از انجام این پروژه، تعمیم و گسترش آن است؟

نه الزاما در حوزه مکان‌های باستانی. با توجه به کارکردهای مختلفی که آینه دارد، شاید در پروژه‌های بعدی با شکل و کانسپت متفاوت کار کنم. با آینه در جاهای مختلف، کارهای مختلفی می‌توان انجام داد؛ مثلا در کوی، دریا و رودخانه، آینه قابلیت‌های خوانش متفاوت دارد.

چرا ایران را انتخاب کردید، ممکن است بخواهید این تجربه را خارج از ایران هم داشته باشید؟

ایران بسیار بزرگ است. من از یک حوزه دیگر اجرای هنر مفهومی که در گالری‌ها اتفاق می‌افتد و جمع‌وجورتر و شیک‌تر است، وارد فضای دیگری شدم و در حال تجربه و آموختن چیزهای دیگری هستم مثل کودکی که از دوره دبستان وارد دوره راهنمایی شده است. حال اگر ناگهان او را به مقطع بالاتر ببرید، ممکن است به ضرر او تمام شود. من خیلی دوست دارم در ایران کار کنم. دلایل آن ممکن است به‌خاطر تجربه و داشتن روابط بیشتر در ایران باشد. در خارج از ایران باید از صفر شروع کنم. در ایران یک راهی تا الان برایم طی شده. نکته دیگر اینکه من سرزمین خودم را خیلی دوست دارم. ارتباطی که من به لحاظ احساسی با این سنگ‌افراشته‌ها برقرار کردم، ارتباط خاصی بود. روز آخر، وقتی آینه‌ها را پاک می‌کردم، ناگهان گریه کردم. احساس آشنایی عمیقی را با این سنگ‌افراشته‌ها تجربه کردم. با این حرف نمی‌خواهم فضای ناسیونالیستی را ایجاد کنم. به‌هر نقطه‌ای در ایران که نگاه می‌کنی، قابلیت کار مفهومی را در آن می‌بینی. حالا با توجه به فرصتی که پیش آمده است، چرا بروم خارج از ایران؟ من برای کشور خودم کار می‌کنم. آنها به اندازه کافی هنرمند دارند. زیره به کرمان نمی‌برم.

شکل هنرهای مفهومی، آنطور که در گالری‌های مختلف می‌بینیم، بیشتر به میانبری تبدیل شده است که هنرمندان جوان از آن استفاده می‌کنند تا پله‌های ترقی و شهرت را سریع‌تر طی کنند و به یک مد تبدیل شده است چراکه سهل‌الوصول‌تر به نظر می‌رسد. هنر اجرا، چیدمان یا ویدیو، طرفداران بیشتری دارد چون نیاز به مقدمات ضروری دیگررسانه‌ها را ندارد. شما در حوزه هنرهای مفهومی بیشتر فعال بودید. به نظرتان درها برای ورود دیگران در زمینه هنر محیطی باز است و توصیه شما چیست؟

بله. به نظرم در باز است، کمااینکه من دانشجویانی را دیدم که در این زمینه، کارهای کوچکی را انجام دادند. کسی وکیل - وصی هنر خاصی نیست. مهم، داشتن استمرار مثلا در حوزه هنرهای مفهومی است. بعد از دوره اول نمایشگاه مفهومی در موزه هنرهای معاصر تاکنون، چند نفر به کار خود ادامه دادند؟ از آن مجموعه بزرگ که آثار بسیار بسیار بدی هم بودند البته به‌جز چند اثر، سه الی چهارنفر تا الان باقی مانده‌اند. مساله واقعا استمرار در کار است. خیلی‌ها وقتی با سختی‌های کار مواجه شدند، آن را رها کردند. اجرای همین پروژه در شهر یئری کوتاه اما پیش‌تولید کار خیلی سخت بود مثل توجیه افراد مختلف و مجاب‌کردن کمیته‌هایی که میراث فرهنگی استان اردبیل با حضور باستان‌شناسان خبره برای اجرای این پروژه برگزار کرد تا این موضوع را بررسی کنند که مبادا آسیبی به منطقه و سنگ‌افراشته‌ها وارد شود و... .

شما برای آسیب‌نرساندن به سنگ‌افراشته‌ها چه کردید؟

اول اینکه قاب آینه‌ها را از چوب ساختم و دوم اتصال این آینه‌ها بود چون حفاری در این منطقه در کل ممنوع است و من از دو طرف پایه‌هایی را به آینه‌ها متصل کردم که تکیه‌گاه باشد و بتواند وزن سازه آینه‌ها را تحمل کند، در عین حال که به زمین اتصال ندارد و برای استحکام از سنگ‌های بزرگ استفاده کردم. سپس شن‌پاشی انجام و برای محافظت از قاب‌های چوبی از پوشش‌های اپوکسی استفاده شد.

این مواد برای سنگ‌افراشته‌ها ضرری ندارد؟ مثلا اگر با هوا اکسید شوند؟

خیر. من در کارگاه، روی قاب‌های چوبی را با اسپری پوشاندم و بعد از خشک‌شدن، آنها را به محوطه منتقل کردم. آسیب‌های دیگری هم وجود دارد که سنگ‌افراشته‌ها را تهدید می‌کند، مثل یخ‌برشدن یا گل‌سنگ که آسیب گیاهی است. در طول چند سال گذشته، سرعت این آسیب بیشتر هم شده است.

به علت تغییر اکوسیستم بوده است؟

خیر. سنگ‌افراشته‌ها مقاومت خود را در مقابل باکتری‌ها، گل‌سنگ‌ها و برودت شدید در زمستان از دست داده‌اند.

چطور هفت‌هزارسال مقاومت کردند و حالا مقاومتشان را از دست دادند؟

به‌هرحال بخشی از این تغییرات متعلق به ساختار خود این سنگ‌ها و فشردگی مولکولی آنهاست.

کاری برای حفظ و نجات این آثار صورت گرفته است و اساسا امکان جلوگیری این آسیب‌ها وجود دارد؟

کارشناسان میراث فرهنگی استان اردبیل و مشکین‌شهر بسیار دلسوزند اما مساله، فقط نبود بودجه است. استان اردبیل به‌لحاظ تعدد و تنوع سایت‌های باستانی می‌تواند در درجه‌اول اهمیت قرار گیرد. این موضوع را قبلا هم از طریق رسانه‌های مختلف اعلام کرده بودم چون نشانه‌هایی از تمدن‌های بسیاربسیار مهم در کنار رودخانه «قره‌سو» که یکی از آنها تمدن شهر یئری است در این منطقه وجود دارد. مدیریت بر این محوطه‌ها به‌خاطر تعدد و کمبود بودجه مرمت بسیار مشکل است. این سرزمین مثل طلا می‌ماند و این همه محرومیت باعث تعجب است! بخشی از کار من معرفی این سایت باستانی است. من به این موضوع در نشست پژوهشی گالری ایست هم اشاره کردم. بیش از نیمی از صحبت‌های من به معرفی این محوطه اختصاص داشت و من این کار را وظیفه خود می‌دانم. مورد مهمی که روی آن تاکید دارم این است که این پروژه اولین همکاری میان‌رشته‌ای هنر مفهومی و باستان‌شناسی است. ما تا به امروز هنرمندی نداشتیم که توان انجام چنین پروژه‌ای را داشته باشد. این پروژه از یک رسانه هنری استفاده می‌کند تا ما به حوزه دیگری برویم که خودش نوعی مرکزگریز است یعنی حرکت از یک متن به متنی دیگر، از هنر مفهومی به‌باستان‌شناسی.

خط و نقطه

به بهانه نمایشگاه «ویترین»
منتخبی از آثار ۳۵ سال طراحی جلد کتاب در ایران

تولدی دیگر

وحید حقی‌تومتری . طراح گرافیک

رولان بارت، نشانه‌شناس، نویسنده و فیلسوف فرانسوی است. همین منتقد ادبی بود که نظریه مرگ مولف را اعلام کرد. او متن را از نظر معنای موجود در ذهن خواننده مورد مطالعه قرار داد. به اعتقاد بارت هر متنی با خوانش خواننده متولد می‌شود. خواننده، خود می‌تواند خالق ثانوی متنی که دیگری نوشته است، باشد. به بیانی ساده‌تر انسان‌ها به دلیل تفاوت‌های ذاتی در نوع تفکر، عقیده، شرایط پیرامون و... نسبت به یکدیگر، برداشت‌های متفاوتی از یک متن دارند. هر کدام از این برداشت‌ها می‌تواند «اثر»ی دیگر باشد. با فرض این دیدگاه، تاکنون چه تعداد از خوانندگان توانسته‌اند «اثر» شخصی خود را به واسطه خواندن کتابی به وجود آورند؟ بسیار کم. اکثر آثار بالقوه، فقط در حصار ذهن‌ها باقی می‌ماند، چرا که همه انسان‌ها استعداد و خلاقیت عرضه و عینیت دادن به افکار خود را ندارند، به‌جز عده‌ای خاص.

طراحان جلد کتاب جزو آن عده خاص هستند و توانایی خلق دوباره متن از منظر و دیدگاه خود را دارند. آنها شاید کار دشوارتری دارند چرا که مضامین و برداشت‌های ذهنی خود از نوشتار را به‌گونه‌ای موجز و با تصویر نشان می‌دهند و دنیایی فرازبانی و البته عینی، به وجود می‌آورند. زبان تصویری به معنای خاص کلمه وجود ندارد. آنچه هست بیان بصری است. در طول تاریخ بشر، قواعدی برای زبان گفتاری و نوشتاری به وجود آمده است اما تصویر، به‌عنوان اولین شیوه و وسیله ارتباطی بشر، تقریبا قواعدی ندارد. بیان تصویری فراتر از زبان، عمل می‌کند.

در طراحی جلد، نوعی شاعرانگی و یک گشایش آنی برای بیان یک حس وجود دارد. رابطه طراح گرافیک با متن، همان رابطه خواننده با متن است و این رابطه تا آنجا پیش می‌رود که در نهایت، طراح به خالق ثانوی متن تبدیل می‌شود که نهایتا در تصویر جلد کتاب عینیت می‌یابد؛ تصویری که با خلاقیت و هوش هنری، عصاره متن را بیرون می‌کشد تا خواننده را ملموس‌تر با فضای متن آشنا کند.

طرح جلد می‌تواند دلالت‌های ضمنی مضاعفی در ذهن ایجاد کند تا خواننده بتواند برداشتی مناسب و اثربخش از محتوای متن داشته باشد. طراح از نقش و خط، ترکیب‌بندی‌های متقارن یا آزاد بهره می‌برد و با به کارگیری رنگ‌ها، مفاهیم و معانی انتزاعی و مستتر در متن را هنرمندانه رنگ آمیزی می‌کند و به لایه‌های پنهان آن جلوه‌ای برآمده می‌دهد. تصویرجلد با فرآیندی خلاقانه، تولد دوباره متن است که طراح با دمیدن بخشی از قریحه خود، آن را دوباره می‌آفریند.

چه حسی لذت‌بخش‌تر از اینکه بتوان خالق مجموعه‌ای از آثار فرهیختگان عرصه ادبیات، شعر و علوم دیگر شد.

در «ویترین» منتخبی از تلاش‌های طراحان گرافیک ایران در بازآفرینی تصویری آثار نوشتاری را می‌توان دید و مرور و تحلیل کرد.

آثار مدعوین نمایشگاه «ویترین» به همت پریسا تشکری و مجید کاشانی گردآوری شده است و تا ششم تیر در خانه هنرمندان ایران برپاست.

کرباس خاکستری

آثار جشنواره «پرتره‌سازی» انتخاب شد

شرق: آثار ارسال‌شده برای شرکت در سومین جشنواره سالانه «پرتره‌سازی» از سوی شورای سیاست‌گذاری مورد انتخاب قرار گرفت. انتخاب‌کنندگان، آثار ارسال‌شده به این دوره را بسیار خوب و حرفه‌ای ارزیابی کردند و در مرحله نهایی آثار ۵۵نفر را که از سوی دبیرخانه جشنواره دریافت شده بود، بررسی و آثار ۴۴نفر را برای شرکت در نمایشگاه انتخاب کردند. آثار حسنا شهرامی‌پور، هانی نجم، امیرحسین بی‌پروا، نغمه جهانی، میلاد پروز، میلاد حدادیان، هادی عسگری، مهرنوش سنقری، آوین (هاجر) رهادی، سحر مطلق، سعیده کریمی، کژال فخری، سعید حاتمی، معین شیخ‌شعاعی، ولی‌الله سابقی‌ساروبی، الناز بندگی، هیمن نسیمی، حامد نورایی، فرید امین‌الاسلام، فرزاد شکاری، یوسف حسن‌پور، زهرا معین، شهرزاد قراچورلو، مهدی وفامهر، محسن میرقاسمی، فرانک (مریم) فریدونی، زهرالسادات طباطبایی‌هنزایی، الهه قدبیگی، سیدوحید حسینی‌نامی، امیر کوشامنش، گلناز کیانی‌پور، مهتاب شهرابی، محمد کشوری، مریم اسدی، وحید دشتیاری، نازنین اعوانی، سارا ساسانی، محمد عیسابیان، ژیلا مختاری، مسعود جزنی و فرشته همتی دیارجان در سومین دوره جشنواره که از ۶ الی ۱۷ تیر در گالری شیرین برگزار خواهد شد، به نمایش گذاشته می‌شود.

جدول ۲۰۱۱ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱ - شماره استاندارد بین‌المللی کتاب - دوست بسیار صمیمی - فراموشی ۲ - تابلویی زیبا از پابلو پیکاسو - رمانی تاریخی و عاشقانه نوشته بهنام ناصح ۳ - جانوری شبیه عنکبوت - اقامت گزیدن - راه رفتن کودکانه ۴ - درخواست از خدا - از دین برگشته - نوشیدنی ترش و گازدار که از تخمیر شیر به‌دست می‌آید ۵ - سرنگون و معلق - هیجان‌انگیز - تکرار حرفی ۶ - مخفف مشهدی - نشدنی - فهمیده ۷ - لایه محافظ دندان - خدای هندو - پارچه کهنه ۸ - قهوه‌خانه فرنگی - واحد پول نیجریه - سوره چهل‌وچهارم قرآن ۹ - لایه، پوسته - اشاره - به‌صورت سه‌گوش ۱۰ - پشتیبان - شهری در شمالی‌ترین نقطه گیلان - پایان نامه ۱۱ - ماه کارگری - معروفترین تلسکوپ فضایی - واسطه ۱۲ - کرم خورده - مرکزجمهوری چک - حاجت و مقصود ۱۳ - حاجیان - بی‌حرکت‌شدن - رشته کوهی که آسیا را از اروپا جدا می‌کند ۱۴ - نوعی مسمومیت غذایی شدید - پایتخت هندوستان ۱۵ - چند رای - موثر و مفید - مایع نشاسته.

عمودی:

۱ - فوت‌وفن - از مباحث ریاضی - کلمه تحسین ۲ - لرزه - قطره - هماهنگ ۳ - اساس - فانی و ناپایدار - حرکات ورزشی رزمی نمایشی ۴ - پیمانه - مزرعه آخرت است - جوینده عاطفه ۵ - موفق - روزها - گاهی دل هم می‌زند ۶ - بله آلمانی - کشوری در همسایگی مجارستان - حصیر ۷ - افسار و یراق زین اسب - آرزوها - جزئی از هر عدد صحیح ۸ - ایستاده و بی حرکت - چهارچوب در - شیر کوهی ۹ - یک حرف و سه حرف - گلدسته - نافرمانی کردن ۱۰ - تخت سلطنت - یکی از دو شبه‌جزیره تشکیل‌دهنده مالزی - حیوان وحشی ۱۱ - رام نشده! - فدراسیون جهانی فوتبال - مرتع ۱۲ - فرزند نوه - مغازه - دوستی ۱۳ - فقیر و بی‌چیز - بی اعتنا به قید و بندها - کنیزک ۱۴ - دشوار و مشکل - مثل و مانند - پایتخت آلبانی ۱۵ - گوهر بی‌همتا - تاکنون - نوعی ماده معدنی شبیه شیشه.

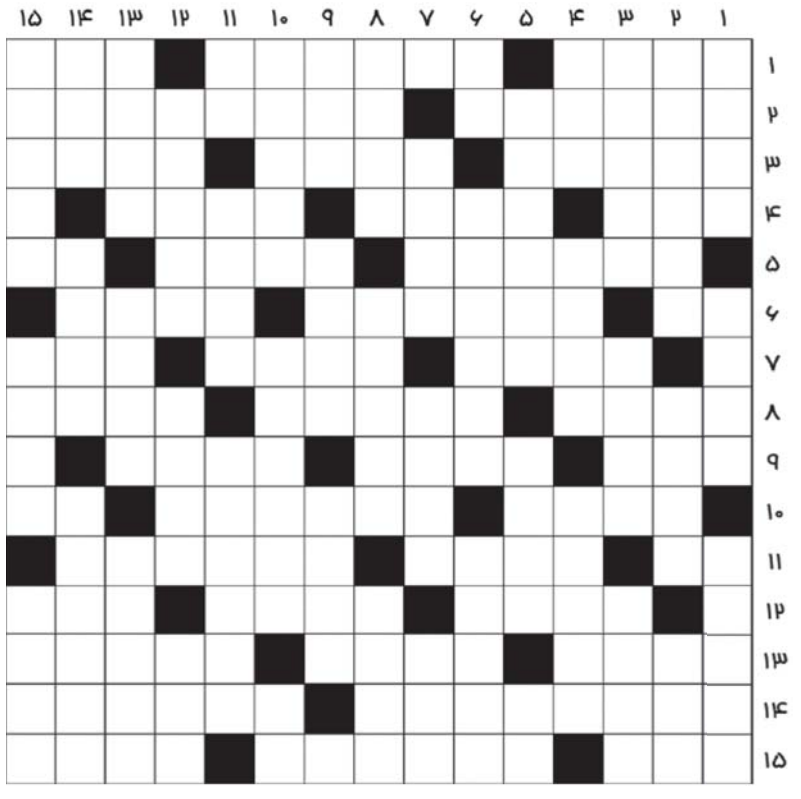

حل سودوکو سخت

۲	۳	۸	۵	۷	۶	۴	۹	۱
۵	۷	۱	۹	۳	۴	۸	۶	۲
۹	۴	۶	۲	۸	۱	۷	۵	۳
۳	۲	۹	۷	۴	۵	۶	۱	۸
۶	۱	۵	۸	۲	۳	۹	۷	۴
۴	۸	۷	۱	۶	۹	۳	۲	۵
۱	۵	۳	۴	۹	۷	۲	۸	۶
۷	۶	۲	۳	۵	۸	۱	۴	۹
۸	۹	۴	۶	۱	۲	۵	۳	۷

حل سودوکو ۱۰۰۷

۵	۹	۳	۲	۷	۸	۶	۴	۱
۱	۴	۲	۵	۹	۶	۸	۷	۳
۶	۷	۸	۱	۳	۴	۹	۵	۲
۳	۸	۹	۴	۲	۱	۷	۶	۵
۷	۲	۶	۹	۵	۳	۴	۱	۸
۴	۱	۵	۶	۸	۷	۲	۳	۹
۹	۳	۱	۷	۶	۲	۵	۸	۴
۲	۶	۴	۸	۱	۵	۳	۹	۷
۸	۵	۷	۳	۴	۹	۱	۲	۶

جدول ۲۰۱۰

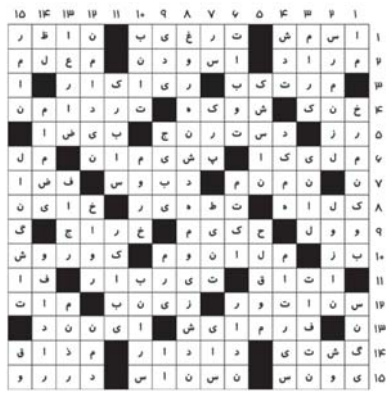

سودوکو سخت ۱۰۰۸

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

	۴		۶	۲				۷
	۲		۴				۱	
۷			۹			۳	۲	
۴		۱		۸		۵		
		۷						۹
۶			۲	۹				
۵					۲			۸
۳			۸					
	۱						۵	

سودوکو ۱۰۰۸

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۳			۷			۲		
		۱				۵	۴	۸
	۹		۵	۱			۶	۳
			۱	۴	۶			
		۷	۹			۶		۲
				۷	۳		۵	
					۹		۲	۶
۱	۴			۲				
۵			۸					